

نقش ثبات (یقین) در دین در کمال انسان (با توجه به حکمت ۱۸۴)

^۱ کوثر اسماعیل تبار

چکیده:

امام علی (علیه السلام) در حکمت ۱۸۴ می فرماید: «مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مَذً [مُنْذُ] أُرِيْتُهُ، از آن وقت که حق را به من نموده اند، در آن تردید نکرده ام.»

یکی از راه های رسیدن به ایمان به طور قطع، یقین و اطمینان نفس در دین الهی است کسی که در رسیدن به کمال دچار تردید شود و نتواند به درستی مسیر حق از باطل را دریابد، نمی تواند به ثبات در دین برسد و سبب از هم پاشیدن اساس یک ملت می شود و راه را برای نفوذ بیگانگان باز می کند. ضعف در دین از آنجایی که با شک و تردید همراه می شود سبب بدگمانی و تردید در دین شده و فرد را از مهم ترین مسائل اخلاقی و اجتماعی که سبب سازندگی و تعالی در یک جامعه است را از بین می ببرد. باید توجه داشت حرکت موجودات نباتی به سمت کمال براساس نظامی به نام طبیعت است که در وجودشان به ودیعت نهاده شده و عامل محرک در کوشش های حیوان، حب ذات است که بر مبنای ادراک و الهام غریزی عمل می کند. اما تلاش های انسان در پرتو اختیار و آگاهی صورت می گیرد و کمال نهایی و مقصد وی به کلی از دیگر موجودات متفاوت و متمایز است. سوال اینجاست که با توجه به حکمت ۱۸۴ نهج البلاغه نقش ثبات (یقین) در دین در کمال انسان چیست؟ نویسنده با استفاده از روش کتابخانه ای و به روش توصیفی، تحلیلی در می یابد که برای رسیدن به استقامت داشتن ایمان، تهذیب نفس، به کارگیری عقل و حفظ اعتدال در اعلام و گفتار از مهم ترین راه هاست. از طرفی بصیرت، نور خاصی است که جان آدمی را روشن نموده و از گمراهی باز می دارد. دینداری و ثبات در دین آثار دنیوی چون افزایش رزق و روزی در زندگی دنیایی، گسترش علم و دانش و افزایش امنیت و آرامش در زندگی دنیایی برای انسان به همراه دارد.

کلید واژه: ثبات در دین، تحکیم و استقامت، بصیرت، آرامش،

^۱ طلبه سال آخر سطح دوم حوزه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) قائم شهر

۱. مقدمه:

ثبات در دین از موضوعات بسیار مهم و مورد تاکید قرآن است و خداوند در برخی از آیات به اهمیت این ثبات اشاره دارد خداوند متعال در آیه ۲۵۰ سوره بقره در رابطه با ثبات قدم فرموده است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند گفتند پروردگارا بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.» این گونه بر اهمیت این موضوع است در کنار آیات برخی از روایات نیز بدان تاکید دارند. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در رابطه با نفی شک و تردید و تاکید بر ثبات قدم می‌فرمایند: «وَقَالَ (علیه السلام): مَا شَكَّكَتُ فِي الْحَقِّ مَذًّا [مُنْذًا] أَرِيَّتُهُ.» این مسئله بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. در دنیای امروز به دلیل تحریف و مقابله با اسلام و وجود شبهات ضد اسلامی توجه داشتن به این اصل امری لازم و ضروری است که توسط برخی از افراد در برخی از مقالات و متاب‌ها بدان اشاره شده است به طور مثال عیسی زاده در مقاله «استقامت در دین‌داری؛ بررسی عوامل و آثار آن در قرآن»، بررسی عوامل استقامت به صورت کلی پرداخته و از طرفی آثار و برکات آن را در دو مورد دنیا و آخرت مورد بررسی قرار داده است و شهید مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان به برخی از موارد این استقامت اشاره دارد. نویسنده در تلاش است تا به بیان نقش ثبات (یقین) در دین در کمال انسان در زندگی اخروی و دنیایی بپردازد.

۲. مفهوم شناسی:

۲،۱ ثبات در دین:

ثبات در لغت با ضم ثاء به معنای؛ قرار. استقرار، بر جای ماندن، قرار گرفتن، ثبوت، پایداری، استواری، استوار شد^۱ و مردی با استقامت و شجاع و بی‌باکی که صادقانه می‌جنگد این واژه در قرآن سوره نساء آیه ۷۱ به کار رفته است^۲ ثبات در اصطلاح، حالتی است که تا با ایمان همراه نگردد اطمینان نفس و در نتیجه طلب کمال میسر نمی‌شود، زیرا هر کس که در عقاید خود متزلزل باشد نمی‌تواند طالب کمال باشد.

دین در لغت دارای معانی متعددی است برخی به معنای جزا^۳، شریعت و مذهب، همبستگی^۴، و برخی دین را از ریشه عادت و جزاء و مکافات می‌داند و معتقد است این کلمه به معنای ذلت می‌دانند^۵ در قرآن تعبیری چون جزا، حساب، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی به کار رفته است^۶. دین در اصطلاح در نظر دانشمندان دارای معانی گوناگون است به این صورت که برخی دین را به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این عقاید است^۷. دین، عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آنها، تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است^۸.

منظور از ثبات قدم، عبارت است از حصول قطع به اینکه کامل و کمالی وجود دارد، و تا این قطع حاصل نشود طلب کمال وجود نمی‌گیرد، و تا تصمیم بر طلب کمال و ثبات در راه آن به دست نیاید سیر و سلوک ممکن نیست، و کسی که تصمیم دارد ولی ثبات نداشته باشد اما علت ثبات یک فرد بصیرت درونی و اعتقاد به حقانیت عقاید خود و دریافت لذت نیل به کمال و ملکه شدن این حالت درونی است به گونه‌ای که زوال نپذیرد، و بدین گونه است که از انسان‌های ثابت قدم همواره اعمال صالح صادر می‌گردد. باید توجه داشت ملکه در مقابل حال است. حال آن حالتی است که زود از بین می‌رود مثل زردی رنگ انسان ترسیده و سرخی رنگ انسان خجالت زده، ولی ملکه حالتی که به زودی زوال نمی‌پذیرد مثل شجاعت و حسادت و سایر ملکات اخلاقی^۹.

۱. دهخدا، لغت نامه، ص ۴۵۳

۲. بیستانی، فرهنگ جدید عربی فارسی: ترجمه منجد الطلاب، ص ۱۸۶،

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۷۰

۴. دهخدا، لغت نامه، ص ۵۷۲-۵۷۴

۵. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۱۵۵۶

۶. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۷۵

۷. مصباح یزدی، آموزش عقائد، ج ۱، ص ۲۸

۸. طباطبائی، تفسیر المیزان ج ۱۶، ص ۱۹۳

۹. طوسی، اوصاف الاشراف، ص ۲۹

تحکیم از ریشه "حکم" مصدر باب تفعیل، در لغت به معنای «دادرسی، به داوری خواندن و به حکومت نشاندن» است و حاکم گردانیدن کسی را در مال خویش.^۱ این واژه به یک جریان تاریخی در زمان امیرالمومنین (علیه السلام) اشاره دارد.

این واژه در اصطلاح عبارتند از: میان دو طرف متخاصم و متنازع کسی را حکم قرار دادن تا میان این افراد داوری کند. این مسئله در شاخه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است مثل تحکیم در خانواده، تحکیم در ازدواج، تحکیم در جهاد و....^۲

استقامت از ریشه «قوم» و به معنی استمرار، ثبات و مداومت، پایداری، ایستادن و اعتدال است.^۳ از آنجایی که این واژه به معنای طلب کردن است و در باب استفعال قرار گرفته به معنای طلب قیام است و استمرار و استقامت و مانند آن از لوازم معنای اصلی به شمار می آید.^۴

استقامت در اصطلاح به معنای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژی هاست اهل معرفت تعبیری چون «اهل استقامت» و «منزل استقامت» را که مرحله ای از مراحل سلوک الی الله است به کار می برند.^۵

۲-۳. بصیرت:

بصیرت از ماده "بصر" در لغت، به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است.^۶ بصیرت، به معنای سپر و برهان هم آمده است که به طور کلی به معنای، روشن بودن چیزی است.^۷ این واژه، حاکی از نوعی احاطه علمی و آینده نگری است هر چند بصیرت، در اصل به معنای علم است؛ لیکن باید توجه داشت که هر علمی، بصیرت نیست و هر عالمی، بصیر نامیده نمی شود؛ بلکه است. در قرآن کریم، مشتقات «بصر»، ۱۴۸ بار و واژه «بصیرت»، دوباره کار رفته است.

۱. دهخدا، لغت نامه، ص ۳۶۴

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۴۷

۳. جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۷

۴. مصطفوی، التحقیق، ج ۹، ص ۳۴۱

۵. ابن عاشور، التحریر و التئویر، جلد ۱۱، ص ۲۸۲

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۶۵

۷. ابن فارس، معجم المقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴

بصیرت در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص، که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند.^۱ در منابع اسلامی بصیرت یا جنبه دلی و باطنی دارد یا جنبه ظاهری لذا در قرآن در سوره فاطر آیه ۱۹ به بینائی دل اشاره دارد، در سوره انسان آیه ۲ به بینائی ظاهری و چشم دلالت دارد و در آیه ۱۲۵ سوره طه به بینائی که با برهان همراه است دلالت دارد. برای رسیدن به بصیرت قلبی و باطنی و درک حقایق استفاده صحیح از قلب و چشم و گوش مهم است.^۲

۴-۲: آرامش:

آرامش؛ اسم مصدر از آرمیدن در لغت به معنی آرامش و سکون^۳ و حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است همچنین به صفت قلبی خاص نیز گفته می‌شود^۴. از دیگر معناهای آرامش خواب کوتاه و سبک، فراغت، آسایش، صلح و آشتی، سکون است^۵. این واژه برابر اضطراب و دلهره بکار می‌رود.

در اصطلاح آرامش حالت نفسانی و صفت روانی و قلبی خاص (آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه) گفته می‌شود^۶. آرامش در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است که بعد اجتماعی آن را می‌توان امنیت نامید البته باید توجه داشت که آرامش زمانی حاصل می‌شود که دو جنبه نیازهای انسان به صورت کامل یا در حد انتظار برآورده شود.

۳- نقش ثبات در دین در کمالات دنیوی انسان (با توجه به حکمت ۱۸۴)

ثبات در دین یعنی ثبات در سیرت و سنت دینی است که در این مسیر شک و شبه ای در وجود وی نباشد، استقامت و پایداری از عوامل مهمی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی هر فرد و جامعه‌ای به اهداف بلند دارد از این رو امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مَذًّا [مُنْذُ] أُرِيْتُهُ؛ از آن وقت که حق را به من نموده اند، در آن تردید نکرده ام.»

۱. هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۶، ص ۲۶۳

۲. داور پناه، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۰۴

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۰۴

۴. دهخدا، لغت نامه، ص ۹۸

۵. معین، فرهنگ معین، ص ۷۴

۶. دهخدا، لغت نامه، ص ۹۸

سعادت موعود و رستگاری هدف آفرینش انسان و ارسال هادی به سوی او است، نتیجه خوب دانستن، خوب زیستن و خوب عمل کردن او در راه رسیدن به آن هدف است و از آن جا که این هدف بسی ارزشمند است، وقتی انسان آن را به عنوان پاداش عمل به دست می‌آورد؛ زیرا چیزی که با زحمت خود انسان و به عنوان پاداش عمل او به دست می‌آید، نه منتی دارد و نه منت کشیدنی و نه اندیشه‌ی جبران کردن آن فکر انسان را مشغول می‌کند. مراد از سعادت‌ی که این قلم درصدد ترسیم آن و برشمردن عواملی که هموارکننده زمینه رسیدن به آن است، وصل به سعادت‌آفرین است که بالاتر از آن در مخیله هیچ بنده‌ای نمی‌گنجد؛ زیرا سعادت‌ی بالاتر از آن وجود ندارد و آن هم از مسیر دنیا در آخرت حاصل‌شدنی است. خداوند در قرآن تحقق بشارت الهی نسبت به پیروزی مومنان در غزوه احد را تنها به پایداری و استقامت ایشان نسبت می‌دهد تا بدین وسیله به همگان بفهماند که رمز پیروزی را باید در مقاومت و استقامت جست.

این پیروزی، تنها پیروزی در دنیا و یا دستیابی به اهداف محدود و معین دنیوی نیست بلکه هرگونه پیروزی مومنان که در مسیر کمالی خویش و جامعه است به معنای رستگاری است؛ زیرا در آموزه‌های قرآنی دنیا از آخرت جدا نیست و کسی که در مسیر کمالی به پیروزی می‌رسد به معنای دستیابی وی به رستگاری نیز می‌باشد؛ با این تفاوت که در بینش قرآنی حتی اگر شخص به هر دلیلی دچار شکست ظاهری شد رستگار است. از این رو امام خمینی با توجه به بینش و نگرش قرآنی می‌فرماید: چه شکست بخوریم و چه پیروز شویم باز ما پیروزیم زیرا در مسیر کمالی و رضایت الهی حرکت انجام شده است و شخص تنها خشنودی الهی را در نظر داشت و چون دستیابی به جامعه برتر ایمانی و ساخت دنیای بهتر، وظیفه و تکلیف الهی بشر است در صورت موفقیت نیز رستگار خواهد بود، چنان‌که در صورت شکست رستگار بوده است. لذا استقامت در دین نقش اساسی را برای رسیدن به رستگاری در آخرت و همنشینی با اهل بیت و پیامبر و علما خواهد داشت و شخص مومن و پایدار در هر حال رستگار می‌شود.^۱

۱. خمینی، آیین انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۵۶۱

نتیجه:

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: « مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ [مُنْذُ] أَرَيْتُهُ؛ از آن وقت که حق را به من نموده اند، در آن تردید نکرده امو»

منظور از حق در کلام ایشان دستورات خداوند و دین اسلام بوده است و در واقع ثبات در دین یعنی ثبات در سیرت و سنت دینی است که در این مسیر شک و شبه ای در وجود وی نباشد، برای رسیدن به ثبات، استقامت و پایداری نقش مهمی در دستیابی دارد تا هر فرد و جامعه ای به اهداف بلند خود برسند. که برای رسیدن به استقامت داشتن ایمان، تهذیب نفس، یه کارگیری عقل و حفظ اعتدال در اعلام و گفتار از مهم ترین راه هاست. مورد دوم برای داشتن ثبات در دین، داشتن بصیرت است. بصیرت، روشنایی و نور خاصی است که در نتیجه ی استضاءه از چراغ وحی و امامت در عمق جان انسان پدید می آید و چراغ وحی و امام مقدمه ی چراغ بصیرت در عمق وجود انسانند. این دینداری علاوه بر اینکه بر روح انسان تاثیر می گذارد و سبب افزایش روحیه معنوی و بعد معنوی در انسان می شود آثاری چون افزایش رزق و روزی در زندگی دنیایی، گسترش علم و دانش و افزایش امنیت و آرامش در زندگی دنیایی برای انسان به همراه دارد. لذا کلام امام نوعی راهنمایی برای بهبود زندگی اخروی و دنیایی بشر است.

منابع:

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. آیت الله صدر، سیدرضا؛ استقامت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، محقق: هارون، عبد السلام محمد، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، جلد ۱، ۱۴۰۴

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الصادر، بیروت، جلد ۴، ۱۴۱۴

۴.، جلد ۸، ۱۴۱۴

۶. ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير والتنوير من التفسير (ابن عاشور)، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، جلد ۱۱، ۱۴۲۰

۷. ایمانی فر، حمید رضا، بین رابطه بصیرت و تقوا از دیدگاه قرآن کریم، نشریه: بصیرت و تربیت اسلامی شماره: ۴۸، دوره: ۱۳۹۸، ۱۶

۸. بستانی، فواد افرام، فرهنگ جدید عربی فارسی: ترجمه منجد الطلاب، مترجم محمد بندرریگی، ناشر اسلامی، چاپ بیستم، ۱۳۸۶

۹. بیانات مقام معظم رهبری درباره بصیرت و استقامت (با ضمیمه فتنه) بصیرت و استقامت، تهران، مرکز صهبا، ۱۳۸۹

۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: رجائی، سید مهدی، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰

۱۱. تهانوی، محمد اعلی بن علی، دجروج، علی، اصطلاحات الفنون و العلوم، مترجمان: جورج زیناتی، عبدالله خالدی، استانبول، دار قهرمان جلد ۱، ۱۴۰۴

۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین، جلد ۱، ۱۴۰۴، ۲

۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق: عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین، جلد ۱، ۱۴۰۴، ۵

۱۴. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸

۱۵. خمینی، روح الله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷

۱۶. خمینی، روح‌الله، آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۲، ۱۳۸۸.
- داور پناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، کتابخانه صدر، جلد ۷، ۱۳۷۶، ۱۷.
۱۸. دری نجف آبادی، قربانعلی، نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)، حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱، ۱۳۷۷، ۱۹.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲.
۲۱. رشاد، علی اکبر، توسعه علم و تکامل معرفت، کتاب نقد، شماره ۳۴، ۱۳۸۴.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: ناشر: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چاپ پنجم، جلد ۱۶، ۱۳۷۴.
۲۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، اوصاف الاشراف، تصحیح: ابوالفضل مرادی (رستا)، تهران، آیت اشراق، ۱۳۹۶.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم؛ دارالثقافه، ۱۴۱۴.
۲۵. عیسی زاده، عیسی، عیسی زاده نیکزاد، نقش رزق حلال در سلامت معنوی انسان از دیدگاه آیات و روایات، ویژه نامه علوم انسانی سلامت، شماره ۱، ۱۳۹۸.
۲۶. گراوند، سعید، رابطه عقل و ایمان با فلسفه و دین، قبسات، شماره ۱۳۸۴، ۳۵.
۲۷. گروهی از نویسندگان، موسوعه الامام الحسین (علیه السلام)، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تهران، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۷۸.

۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، چاپ دوم، جلد ۳، ۱۴۰۳، ۲۴

۳۰..... جلد ۳، ۱۴۰۳، ۷۴

۳۱. محمدی ری شهری، محمد، مبانی شناخت، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۹۴

۳۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تزکیه نفس و آثار آن در قرآن، نشریه پاسدار اسلام، شماره

۱۳۸۳، ۲۷۶

۳۳. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، تهران، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱،

چاپ هفدهم، ۱۳۸۴

۳۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، جلد

۹، چاپ سوم، ۱۳۸۸

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ۳۵.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المؤمنین (علیه السلام)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ

اول، ج ۱۳، ۱۳۸۶

۳۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، جلد ۶، ۱۳۷۹